

هو الحکیر الخلیع

خردنامه صدر

فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه اسلامی

سال ۲۳، شماره ۲؛ پیاپی ۹۰

زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مدیر مسئول و سردبیر: آیت الله سید محمد خامنه ای

هیئت تحریریه

آیت الله سید محمد خامنه ای..... رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر احمد احمدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا اعوانی..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رضا داوری اردکانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر کریم مجتهدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر سید مصطفی محقق داماد..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مقصود محمدی..... دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

ویراستار..... دکتر مقصود محمدی

مدیر اجرایی..... مهدی سلطانی گازار

مترجم انگلیسی..... دکتر رؤیا خوئی

ویراستار انگلیسی..... دکتر علی نقی باقرشاهی

شاپا: ۰۸۷۴ - ۱۵۶۰

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلا، مجتمع

امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

تلفن: (مقالات) ۸۸۱۵۳۲۲۱

(اشتراک و فروش) ۸۸۱۵۳۵۹۴

پست الکترونیک: siprin@mullasadra.org

پایگاه اینترنتی: kherad.mullasadra.org

چاپخانه: چاپ و نشر شادرینگ



فهرست مطالب

- سرمقاله..... ۳
- تبیین مبانی وجودشناختی، جایگاه تکوینی و آثار حقیقت محمدیه در حکمت متعالیه..... ۵
- دکتر مهدی گنججور، دکتر ناصر مؤمنی
- بررسی و ارزیابی مبانی نظریه تشابه نزد ملا صدرا..... ۲۵
- دکتر سید اسحاق حسینی کوهساری، دکتر داود صائمی، دکتر سید محمد موسوی مقدم
- نفس ناطقه بشری از دیدگاه مولوی..... ۴۱
- دکتر نفیسه هاشمی گلپایگانی
- رابطه وحدت تشکیکی وجود و نظریه انسان کامل از منظر استاد مطهری..... ۵۵
- دکتر رضا صفری کندسری
- تحلیل نسبت نظریه زمان موهوم و حدوث زمانی در آرای متکلمین..... ۶۵
- دکتر علیرضا کهنسال، معصومه سادات ساری عارفی
- بررسی و نقد دیدگاه فیاض لاهیجی درباره وحدت وجود عرفانی..... ۷۹
- دکتر محمود صیدی، هادی هاشمی
- واکاوی معناشناختی عقل نظری و عقل عملی از نظرگاه ملا صدرا..... ۹۱
- محمد جواد ذریه، دکتر محمد بیدهدنی، دکتر جعفر شانظری

۱. بنابر تأییدیه شماره ۳/۱۳۷۰۸۵ مورخه ۹۱/۰۷/۰۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خردنامه صدرا دارای درجه علمی - پژوهشی است.
۲. خردنامه صدرا در پایگاه های زیر نمایه میشود:
 - پایگاه مجلات تخصصی فلسفه جهان؛
 - Philosopher's Index
 - پایگاه استنادی علوم اسلامی؛ ISC
 - پایگاه مجلات تخصصی نور؛ Noormags
 - بانک اطلاعات نشریات کشور؛ Magiran

راهنمای تدوین مقاله

- خردنامه صدرا بطور تخصصی فقط مقالاتی را که مربوط به حوزه فلسفه و علوم عقلی، مستدل و مستند به منابع معتبر باشد، برای چاپ میپذیرد.
- مقالات ارسالی باید مبتنی بر تحقیق و حاوی نکته‌ی بدیع و ابتکاری باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و اصالت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.
- مقالات باید دارای چکیده (حدود ده سطر) و کلیدواژگان (حداکثر ده واژه) بوده و چکیده و کلیدواژگان انگلیسی نیز به آن ضمیمه شده باشد.
- لطفاً در ابتدای مقاله، عنوان مقاله، نام نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت (هرکدام بدو زبان فارسی و انگلیسی) و نیز نشانی بصورت دقیق در برگه‌ی جداگانه ذکر گردد.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- مقالات به رایانامه (ایمیل) مجله ارسال گردد. حتماً مرقوم شود «مربوط به خردنامه صدرا».
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و ذکر نامهای غیرفارسی بزبان اصلی و نیز برجسته کردن نقل قولها ضروری است.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جایی بچاپ رسیده باشد و ارسال آن نیز برای خردنامه صدرا تعهدی نسبت به چاپ ایجاد نمیکند اما خردنامه از حق تجدید چاپ و نیز نشر مقالاتی که پس از داوری دقیق و تأیید هیئت تحریریه بچاپ برسد، بصورت‌های رایج دیگر بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود.
- مقالات ارسال شده بهیچ وجه مسترد نخواهد شد.
- خردنامه صدرا در ویرایش مطالب با حفظ محتوا و مفاد آزاد است.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بعهده مؤلف است و چاپ آن در این فصلنامه تنها برای عرضه و تلاقی افکار است و دلیل بر تأیید آن نیست.
- ارجاع به آثار ملاصدرا باید منطبق بر چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد.

شیوه ارجاعات

- ارجاعات در خردنامه صدرا بصورت پاورقی است؛ با ذکر نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد، شماره صفحه.
- در مواردی که بلافاصله به منبع قبلی ارجاع داده شود از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد از واژه همانجا استفاده شود.
 - در مورد مجلات و مجموعه مقالات عنوان مقاله ذکر گردد.
 - در ارجاع به منابع غیرفارسی، عنوان اصلی کتاب ذکر شود. بجای واژه‌های همان و همانجانب نیز بترتیب از علامتهای *ibid* و *idem* (بصورت ایتالیک) استفاده شود.
 - در فهرست منابع، مشخصات کامل کتاب‌شناسی هر منبع بصورت زیر فهرست گردد:
— کتابها: نام خانوادگی مولف، نام مولف. عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، مترجم، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
— مجلات: نام خانوادگی مولف، نام مولف. «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، نام مجله (بصورت سیاه و ایتالیک) سال، شماره مجله، سال نشر.
مثال: اعوانی، غلامرضا. «چرا ملاصدرا را صدرالمتألهین نامیده‌اند؟»، خردنامه صدرا، ۲، ۱۱، ۱۳۸۴.
— مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام مولف، «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، گردآورنده یا ویراستار، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «جایگاه ملاصدرا در فرهنگ علوم عقلی»، مکتب ملاصدرا و فلسفه‌های غربی، زیر نظر سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.
— در مورد منابع غیر فارسی نیز بهمین شیوه عمل شود.



یکی از قویترین و مؤثرترین راههای تسلط بر یک کشور و نفوذ در یک ملت، تأثیر بر روی جوانان آنها و به انحراف کشیدن عقیده و فرهنگ اسلامی، و در واقع تبدیل هویت ملی آنان میباشد. کشور ایران، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، همواره هدف دشمنانی همچون انگلیس و امریکا بوده و زهر سیاست آنها را چشیده است.

نخستین نسخه‌یی که دشمن با این هدف شوم اجرا نمود اعزام دانشجو و بیشتر از خانواده رجال سیاسی روز - به فرانسه و انگلیس بود، که از این طریق از آنان برای اقامه فراماسونری در ایران بهره بگیرد و به کرسی وزارت و نمایندگی مجلس و مناصب عالیه کشوری بگمارد و حکومت را بدست آنان بسپرد.

تأسیس دانشگاه در ایران نیز گام بعد نسخه سابق بود تا افکار جوانان را بسبک اروپایی پرورش دهد و از این راه نیز بهره‌ها ببرد، گرچه تا حد بسیاری

بسبب نجابت و هوشیاری بیشتر جوانان ما از این خطر دور ماندند و به دانش و فن و فرهنگ کشور خدمت کردند تا به دشمن.

اما دشمن هرگز از اهداف پلید خود دست برنداشت و پس از پیروزی انقلاب عظیم اسلامی ملت ایران، در اجرای این سیاست کهنه، بعنوان راه تسلط نرم بر این ملت، جدیتر شد. متأسفانه بر اثر ضعف بینش و عمل، و گاهی دانسته و برای خدمت به دشمن، از طرف بیشتر مجریان و مسئولان دولتهای وقت، سیاست کهنه دشمنان دوباره جان گرفت و مصرانه به اجرا گذاشته شد؛ یکی بصورت جذب و بکارگرفتن استادان ناصالح و دیگر بصورت اخراج اساتید صالح و وفادار به انقلاب و نظام اسلامی.

در یک بررسی میدانی که بوسیله آگاهان درون دانشگاهها و مطلعان امور اجتماعی انجام گرفته، با هزار دریغ و تأسف، هنوز این سیاست تسلط بخشیدن اندیشه و فرهنگ عادات غربی بر جامعه دانشگاهی و تهی ساختن و دور نمودن جوانان از فرهنگ ملی و اسلامی و انقلابی و دور نمودن اساتید دلسوز و فاضل و خدمتگذار، بصورت واضحی اثبات شدنی است، و فریاد «یا للمسلمین» این اساتید پاک و فاضل و دارای اعتقادات و منش انقلابی و ولایی از هر سو شنیدنی میباشد و «دست آشنایی» نیست که دستگیر این ستمدیدگان بشود.

تبیین مبانی وجودشناختی، جایگاه تکوینی

و آثار حقیقت محمدیه در حکمت متعالیه

* مهدی گنجور، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

** ناصر مؤمنی، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور

چکیده

مسئله صدور عقل اول بعنوان نخستین مخلوق بیواسطه حق تعالی، یکی از مسائل مهم حکمت اسلامی است. عقل یا صادر اول در حکمت متعالیه، ذات و روح متعالی نبی اکرم (ص) یا همان «حقیقت محمدیه» است که با شواهد نقلی و قواعد عقلی تأیید میشود. این جستار با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بیان معنا و مصداق حقیقت محمدیه در حکمت و عرفان اسلامی، به تبیین مبانی وجودشناختی این نظریه در حکمت متعالیه میپردازد. برخی از این مبانی فلسفی که فهم و تبیین حقیقت محمدی (ص) مبتنی بر آنهاست، عبارتند از: اصالت وجود، قاعده الواحد، قاعده امکان اشرف، بساطت وجود یا قاعده بسیط الحقیقه و اصل انبساط و سریان وجود. سرانجام با تکیه بر آثار ملاصدرا به تبیین جایگاه تکوینی حقیقت محمدیه در نظام هستی پرداخته‌ایم و برخی از مهمترین آثار و برکات وجودی این حقیقت متعالی - همچون وساطت در فیض و رحمت الهی، حفظ اساس و نظام عالم، هدایت به صراط مستقیم و وصول به سعادت، و وساطت در تقرب و شفاعت - را بیان میکنیم.

کلیدواژگان

حکمت متعالیه	حقیقت محمدیه
قاعده الواحد	اصالت وجود
سریان وجود	امکان اشرف
	بساطت

۱. طرح مسئله

حکما بر اساس مبانی و قواعد فلسفی خود، بویژه قاعده «الواحد» و قاعده «امکان اشرف»، معتقدند صادر نخستین از ذات حق تعالی، عقل اول است. این حقیقت ملکوتی و مجرد، جوهر تام کاملی است که موجودی شریفتر و کاملتر از آن در عالم امکان، تحقق نخواهد داشت.

از این حقیقت متعالی در عرفان و فلسفه اسلامی به «حقیقت محمدیه» تعبیر میشود. صدرالمتألهین نیز مقصود از عقل اول را حقیقت و روح متعالی حضرت محمد (ص) میداند: «... و هو الحقیقة المحمدية عند اعظم الصوفية و محققیهم لکونه کمال وجوده الذی منه یبتدئ و إلیه یعود...»^۱. بنابراین

(نویسنده مسئول) *Email:Ganjvar78@gmail.com

**Email:nmomeni83@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶ تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲۴

۱. ملاصدرا، شرح الاصول الکافی، ج ۱، ص ۷۵.

بررسی و ارزیابی مبانی نظریه تشابه

نزد ملاصدرا

سیداسحاق حسینی کوهساری، استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران
داود صائمی*، دکترای علوم قرآنی و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران
سیدمحمد موسوی مقدم، استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

چکیده

متشابهات به اهل بیت (ع)، پذیرش روش راسخان در علم در مواجهه با متشابهات، تشکیکی یا نسبی بودن فهم متشابهات، ضرورت تأویل بر مبنای راهی میان تشبیه و تعطیل، فهم متشابهات با تکیه بر اصول عقلایی و آموزه‌های معصومین (ع) و تأویل متشابهات بر مبنای اصل گوهر معنایی.

تأمل در شیوه مواجهه ملاصدرا با متشابهات قرآن، روشن میسازد که از نظر وی آیات قرآن دارای ظاهر و باطن هستند و هنگام مواجهه با آیات متشابه، باید به ظواهر آیات اصالت داده و از ظواهر عدول نکرد، در عین حال معتقد است باید معنای متشابهات مطابق عقل و روایات صحیح معصومین (ع) باشد. از نظر وی، فهم متشابهات به افراد و ظرفیت و شایستگی ایشان بستگی دارد؛ عبارت دیگر، فهم متشابهات امری نسبی است. راسخان در علم - معصومین (ع) - تمام معنای متشابهات را میدانند و در واقع، برای ایشان متشابهی وجود ندارد. البته ملاصدرا بر اساس نظریه توحیدی خود، معتقد است که تمام مراتب هستی - از عالی تا دانی - ترتب وجودی بر یکدیگر دارند. بر این اساس، میتوان گفت بدون آنکه نیازمند تأویل آیات متشابه یا قول به تجسیم در باب ذات باری تعالی باشیم، میتوان با توسعه معنایی لفظ متشابه، ظواهر الفاظ آیات را حفظ نموده و همه آیات متشابه را بر ظاهر معنای آنها حمل کرد. وجوه قوت نظریه ملاصدرا در مواجهه با متشابهات بطور کلی عبارتند از: ضرورت وجود متشابهات در قرآن، انحصار متشابهات به آموزه‌های اعتقادی، تشکیکی بودن مفهوم تشابه، انحصار فهم و تأویل کامل

کلیدواژگان

متشابهات محکمات
ظاهر تأویل
ملاصدرا باطن

۱. مقدمه

هر نظریه علمی، دارای یکسری شاخصه‌ها یا مبانی و چارچوبی است که بر اساس آنها پی‌ریزی شده است. ملاصدرا نیز مانند سایر دانشمندان، برای نظریه‌های خود یکسری اصول و مبانی در نظر گرفته، که البته این مبانی و اصول از نظر درجه اهمیت و حیثیت، دارای شدت و ضعف میباشند.

در این مقاله قصد داریم با مبانی «نظریه تشابه»

(نویسنده مسئول) *Email: da.saemi@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۱

نفس ناطقه بشری

از دیدگاه مولوی

نفسه هاشمی گلپایگانی*

استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس نسیمه

چکیده

حکمای مسلمان در بحث از نفس ناطقه، به مسائلی چون قدیم یا حادث بودن، مجرد یا مادی بودن و بقا و عدم بقای نفس پس از مرگ میپردازند. مولوی بعنوان یک عارف برجسته که در این سنت می‌اندیشد، تلاش کرده به این پرسشهای فلسفی در باب نفس نیز پاسخ دهد، گرچه راهبرد او تمایزهایی با رویکرد و نگرش فلاسفه دارد. محوریتترین مسئله نزد او، استکمال نفس از طریق سلوک و خروج از عالم ماده و اتحاد آن با ذات حق در مقام واحدیت و ربوبیت است. از آنجا که در وصول، معرفت محور و اصل است، مولوی همت خویش را صرف آن میکند که نفس را در پرتو علم شهودی معنا کند و تمایز اصناف بشر از یکدیگر را تا سرحد تفاوت نوعی میان آنها پیش ببرد. او به اتحاد نفس با ذات حق معتقد است و آثاری را در نتیجه این اتحاد، متوجه نفس میداند. راهبرد مولوی به این مسئله، متفاوت از فلاسفه است.

کلید واژگان

نفس انسان کامل
اتحاد نوری نوع عالی بشر
مولوی

طرح مسئله

یکی از پررأزترین مباحث فلسفی که از دیرباز ذهن بشر بویژه معتقدین به معاد را به خود مشغول ساخته، بحث از نفس است. ماهیت نفس، کیفیت پیدایش آن، نحوه رابطه‌اش با بدن، مجرد یا مادی بودن آن، و مسائل متعدد دیگر در این رابطه، فحول عالم علم را به نظریه‌پردازی واداشته است. شاید گمان شود عرفان نظری توجه چندانی به این مبحث نداشته اما حقیقت اینست که عرفا در بحث از انسان کامل نظریات بدیعی درباره نفس عرضه کرده‌اند و به پرسشهای رایج در اینباره بشیوه خود پاسخ گفته‌اند. مولوی یکی از این عرفای نامدار است که چون آثارش بشیوه شعر و داستان‌پردازی نگاشته شده، اغلب این تصور را القا میکند که اهمی به این قبیل مطالب در آنها وجود ندارد اما نوشتار حاضر اثبات میکند که مولوی بعنوان یکی از بزرگان علمی زمان خویش، به این مبحث مهم اهتمام داشته است؛ بهمین منظور نظریات وی در اینباره را از میان اشعار مثنوی و قصه‌هایش استخراج و عرضه نموده‌ایم.

*.Email:n.hashemy_golpayegany@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱۳

رابطه وحدت تشکیکی وجود

و نظریه انسان کامل از منظر استاد مطهری

رضا صفری گندسری*

دکترای فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

مکاتب فلسفی و عرفانی بر اساس جهان بینی خاص خود، هر یک نظریاتی در باب انسان کامل ارائه کرده اند. عرفا بر اساس جهان بینی «وحدت شخصی وجود» معتقدند فقط حق وجود دارد و ماسوای حق، تجلیات و شئون حق هستند. از دیدگاه این گروه، انسان کامل انسانی است که به کمال جلا و استجلال رسیده باشد. در واقع چنین انسانی مظهر کمالات (ظهورات) ذاتی و اسمائی حق میشود نه اینکه در برابر حق وجود دیگری داشته باشد. استاد مطهری در نقد خویش بر نظریه انسان کامل مورد نظر عرفا، بر اساس نظریه وحدت تشکیکی وجود معتقد است انسان کامل انسانی است که ضمن متحقق ساختن همه اهداف و ارزشها در خودش بنحو اعتدال، هدف واحدی را نیز در نظر داشته باشد که آن هدف همان قرب الهی است. بنا بر تشکیک وجود، اهداف کثیر و هدف واحد، یکی هستند اما در مراتبشان با هم اختلاف دارند؛ در اهداف کثیر نیز نیت و مرتبه نهایی، قرب الهی است. بعبارت دیگر، همچنانکه در حقیقت هستی، وحدت تشکیکی وجود حاکم است، به نظر استاد مطهری، کسی که به هدف تشکیکی واصل شده باشد همان انسان کامل است. در این مقاله روشن خواهد شد که هیچکدام از نقدهای

مطهری بر عرفا وارد نیست و نصوص عرفا گویای نادرستی نقدهای وی است. بنابراین، عرفا تبیین کاملتری از انسان کامل دارند و انسان کامل با وحدت شخصی وجود سازگار است.

کلیدواژگان

عرفان وحدت شخصی وجود
انسان کامل وحدت تشکیکی وجود
هدف تشکیکی نقد نقد

مقدمه

«انسان کامل»^۱ یکی از مسائل اساسی هر مکتب

*.Email: rezasafari1984@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱۳ تاریخ تأیید: ۹۶/۹/۲۰

۱. درباره تاریخ بکارگیری اصطلاح انسان کامل در بین محققین چهار نظریه مطرح شده است: (۱) استاد مطهری معتقد است که ابن عربی برای اولین بار لفظ انسان کامل را در آراء عرفانیش بکار برده است. بر این اساس، رواج این اصطلاح از قرن هفتم بعد میباشد؛ مطهری، انسان کامل، ص ۱۶۹. (۲) نیکلسن رواج این اصطلاح را به آغاز ظهور تصوف اسلامی میداند. بباور وی، حلاج قبل از ابن عربی، به نور محمدی یا انسان کامل - که سبب ایجاد و ظهور عالم هستی است - معتقد بوده است. (۳) برخی باور دارند از ابتدای ظهور دین اسلام معنای انسان کامل رواج داشته و رسول اکرم (ص) مصداق تام انسان کامل بوده است.

←

تحلیل نسبت نظریهٔ زمان موهوم و حدوث زمانی در آرای متکلمین

علیرضا کهنسال*، دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
معصومه سادات ساری عارفی**، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مسئلهٔ حدوث و قدم عالم، همواره از مباحث چالش‌برانگیز در مناظرات فلاسفه و متکلمان مسلمان بوده است. این مبحث با مسائل مختلفی همچون تبیین ذات الهی، صفات علم، قدرت و اراده، نسبت صفات با ذات، ضرورت علی و معلولی، نسبت علت تام و معلول، ملاک نیاز معلول به علت، مرجح حدوث عالم، تبیین ماهیت زمان و مکان و... مرتبط است. نخستین فیلسوفان مسلمان به قدم عالم معتقد بودند که به نظر متکلمین مسلمان با آیات و آموزه‌های دینی ناسازگار بود. آنها با توجه به ظاهر آیات و تبیین خاص خود از ذات و صفات علم، قدرت، اراده و اختیار الهی، به حدوث زمانی عالم معتقد شدند. متکلمان برای توجیه این عقیدهٔ خود، زمانی را تصور کرده‌اند که عالم در آن موجود نبود و بعداً پدید آمد. این زمان، «زمان موهوم» نامیده شد.

پژوهش حاضر به بررسی نسبت نظریهٔ زمان موهوم و حدوث زمانی در آرای متکلمین مسلمان میپردازد. نهایتاً، آشکار میشود که زمان موهوم اولاً، مبتنی بر همان مبانی کلی طرح حدوث زمانی است. ثانیاً، بمنظور ترمیم ساختاری حدوث زمانی و رفع انتقادات فلاسفه بر این طرح، ارائه شده است. در عین حال، این نظریه با سایر

جوانب اندیشهٔ کلامی، همانند نگاه عرفی به جهان و نسبت آن با خداوند و عدم تحلیل برهانی سازگار است. در مجموع، این نظریه با وجود تقریرهای متفاوت و گاه متضادی که از آن ارائه شده، گامی به جلو در طرح حدوث زمانی عالم است که ایدهٔ زمان متناسب با عوالم وجودی گوناگون را مطرح میسازد.

کلید واژگان

حدوث زمانی	حدوث و قدم
زمان موهوم	حدوث ذاتی
وهم	ربط حادث به قدیم
اراده	قدرت علم

مقدمه

نظریهٔ حدوث زمانی عالم برخاسته از تفکر کلامی است که در مبانی، نتایج و برآیندها، با دیدگاه قدم زمانی عالم و حدوث ذاتی آن تقابل جدی دارد. متکلمان مسلمان در مواجهه با مسئلهٔ حدوث و قدم درصدد ارائهٔ طرحی سازگار با ظواهر آیات قرآنی و

(نویسندهٔ مسئول) Email: kohansal-a@um.ac.ir *

Email: m-sariarefi1367@mail.um.ac.ir **

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۰

بررسی و نقد دیدگاه فیاض لاهیجی

درباره وحدت وجود عرفانی

محمود صیدی*، استادیار دانشگاه شاهد

هادی هاشمی**، دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان

چکیده

وحدت وجود یکی از مهمترین مسائل عرفان نظری است که عرفا تلاش بسیاری برای تبیین آن با توجه به مبانی عرفانی نموده‌اند. با وجود این، مسئله اساسی تبیین برهانی این نظریه عرفانی است. فیاض لاهیجی، یکی از برجسته‌ترین متکلمان و فلاسفه شیعی، نخست اشکالاتی را با توجه به مبانی فلسفه مشائی بر نظریه وحدت وجود وارد کرده، سپس آن را همان وحدت تشکیکی وجود در حکمت متعالیه دانسته و در نهایت به نقد فلسفی - کلامی نظریه محقق دوانی در اینباره پرداخته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انتقادات لاهیجی به دیدگاه وحدت وجود ناشی از غفلت وی نسبت به مبانی عرفانی بوده و تشکیک وجود با وحدت آن در نظر عارفان متفاوت است، بنابراین نمیتوان وحدت وجود را همان تشکیک وجود دانست. نظریه دوانی نیز ناشی از مغالطه اشتراک اسم میان اصطلاحات عرفانی با فلسفی و کلامی است.

۱. مقدمه

موضوع علم عرفان، وجود حق تعالی - آنگونه که با اسماء و صفات خود در عالم تجلی مینماید - است. بدلیل تعین نداشتن ذات الهی و ارتباط نداشتن آن با عالم^۱، محال است که خود ذات، موضوع علم عرفان قرار گیرد. بدین لحاظ، اسماء و صفات الهی و چگونگی تجلیات آنها مهمترین مسئله علم عرفان نظری است که با توجه به آن، عارفان در تبیین مسائل و موضوعات متفاوت کوشیده‌اند. یکی از مهمترین نتایج ظهورات اسمائی و صفاتی، تبیین نظریه «وحدت وجود» میباشد که بر اساس آن، وجود حقیقی منحصر در ذات الهی بوده و موجودات دیگر مظاهر، شئون و تجلیات اسماء و صفات خداوند هستند.

عارفان با استفاده از مبانی عرفانی خاص خویش مانند تجلیات اسمائی و اقتضائات اعیان ثابت، به تبیین و اثبات عرفانی وحدت وجود پرداخته‌اند. ولی

(نویسنده مسئول) *Email:m.saidiy@yahoo.com

**Email:hadihashemi85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲۴

۱. قونوی، مفتاح الغیب، ص ۱۴.

۲. جامی، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، ص ۲۶.

کلیدواژگان

تشکیک وجود

وحدت وجود

دوانی

لاهیجی

واکاوی معناشناختی عقل نظری و

عقل عملی از نظرگاه ملاصدرا

محمد جواد ذریه*، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان
محمد بیدهندي**، دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان
جعفر شانظری***، دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان

چکیده

با توجه به نظام‌وارگی تفکر صدرایی، بحث و بررسی معناشناختی عقل عملی و نظری، ذیل موضوع نفس‌شناسی مورد توجه ملاصدرا قرار گرفته است. در این مقاله با روی‌آوردی توصیفی تحلیلی، به تبیین آرای ملاصدرا در حوزه معناشناسی عقل عملی و عقل نظری و بررسی قلمرو معرفتی آنها پرداخته شده است. ملاصدرا عقل را از قوای نفس ناطقه دانسته و در بیان کارکرد آن، به دو قوه عالمه و عامله اشاره کرده است. او معتقد است این دو قوه هر چند دارای کارکردهای متفاوتی هستند اما بنحوی با یکدیگر تلازم دارند؛ عقل نظری با توجه به نقش ادراکی بی‌کی که در فهم کلیات دارد، در تأمین مفاهیم پایه‌ی اخلاق و علم اخلاق نقش‌آفرینی میکند و عقل عملی بواسطه این مفاهیم پایه، به ادراک امور عملی جزئی میپردازد. ملاصدرا با مدرک دانستن عقل نظری در مفاهیم کلی، آن را منشأ شکلگیری دو حکمت نظری و عملی میدانند. در مورد عقل عملی نیز، نه بسان برخی از حکما عقل عملی را قوه‌ی صرفاً عامله دانسته و نه مانند برخی دیگر، برای عقل عملی شأنی هم‌تراز با عقل نظری قائل است بلکه برای عقل عملی به نوعی ادراک جزئی توأم با استنباط معتقد است.

واژگان کلیدی

عقل نظری
عقل عملی
اخلاق
حکمت عملی
ملاصدرا
مقدمه

چیستی و نحوه عملکرد عقل نظری و عملی از دیرباز مورد توجه حکما و متکلمان اسلامی بوده و هست. در نظام فکری ملاصدرا، عقل و قوای عقلانی ذیل مبحث نفس‌شناسی مطرح شده؛ بر این اساس، وی عقل را از مهمترین قوای نفس ناطقه انسان و دارای دو قوه نظری و عملی دانسته است. پیشینه این نگاه به آرای حکمای پیش از وی، یعنی فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر برمیگردد. آنان و بسیاری دیگر از حکما، بر این نظر اتفاق داشتند که نفس ناطقه، دارای دو قوه، با کارکردهای متفاوت است؛ یکی قوه عالمه و دیگری قوه عامله. از قوه عالمه به عقل نظری و از قوه عامله به عقل عملی نیز تعبیر میشود. بواسطه این قواست که معارف مختلف بشری که در دو دسته

*.Email: zorrieh.j57@gmail.com

(نویسنده مسئول).Email: bidhendimohammad@yahoo.com

***.Email: Jshanazari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲۴

A Semantic Analysis of Theoretical Reason and Practical Reason in the View of Mulla Sadra

Mohammad Javad Zorrieh¹, Mohammad Bidhend², and Ja'far Shanazari³

Given the systematic nature of his philosophy, Mulla Sadra has categorized his semantic study of practical reason and theoretical reason under the theme of philosophical psychology. Following a descriptive-analytic approach, this paper explains his views in the field of semantics of practical and theoretical types of reason and explores their epistemological realms. Mulla Sadra believes that reason is one of the faculties of the rational soul and refers to two theoretical and practical faculties in order to clarify its functions. He maintains that, in spite of their different functions, these two faculties are, in a way, concomitant with each other. Given its role in the perception of universals, theoretical reason provides the basic concepts for morality and ethics, and practical reason perceives particular practical affairs through such basic concepts. By considering theoretical reason as the perceiver of universal concepts, Mulla Sadra introduces it as the origin of the development of two theoretical and practical types of wisdom. Regarding practical reason, neither, like some philosophers, does he consider it to be a purely practical faculty, nor, like some others, does he equate it with theoretical reason in terms of status. Rather, he believes that practical reason is capable of a kind of particular perception along with inference.

Key Terms

Mulla Sadra
theoretical reason
practical wisdom

practical reason
ethics

-
1. PhD candidate of the Transcendent Philosophy, University of Isfahan, Isfahan, Iran, zorrieh.j57@gmail.com
 2. Associate Professor, Philosophy and *Kalam* Department (corresponding author), University of Isfahan, Isfahan, Iran, bidhendimohammad@yahoo.com
 3. Associate Professor, Philosophy and *Kalam* Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran, jshanazari@yahoo.com

A Critical Study of Fayyad Lahiji's View of the Gnostic Oneness of Being

Mahmoud Seidi¹ and Hadi Hashemi²

One of the most important issues in theoretical gnosticism which gnostics have tried to explain in the light of gnostic principles is the oneness of being. Nevertheless, the basic problem here is the demonstration of this gnostic theory. Fayyad Lahiji, one of the most prominent *Shi'ite mutikalimun* and philosophers, initially advanced certain criticisms against the theory of the oneness of being based on the principles of the Peripatetic philosophy, then equated it with the graded oneness of being in the Transcendent Philosophy, and finally provided a philosophical *kalami* critique of Muhaqqiq Dawani's theory in this regard. The present study indicates that Lahiji's criticisms of the theory of the oneness of being were rooted in his ignorance of the related gnostic principles and the fact that the gradedness of being is different from the oneness of being in the view of gnostics. Hence, one cannot equate the oneness of being with the gradedness of being. Dawani's theory also suffers from confusing the meanings of shared gnostic/philosophical and *kalami* terminology with each other.

Key Terms

oneness of being
Lahiji

gradedness of being
Dawani

-
1. Assistant Professor, Philosophy Department (corresponding author), Shahed University, Tehran, Iran, m.saidiy@yahoo.com
 2. MA in Religious Studies, Semnan University, Semnan, Iran, hadihashemi85@yahoo.com

origination of the world, which entails the idea of a time in conformity with various ontological worlds.

Key Terms

origination and eternity

temporal origination

relationship between the originated and the eternal

estimation

knowledge

essential origination

chimeric time

power

will

An Analysis of the Relationship between Chimeric Time and Temporal Origination in the View of *Mutikallimun*

Alireza Kohansal¹ and M'asomeh Sadat Sary Arefi²

The problem of the origination and eternity of the world has always been one of the most challenging topics of debate among Muslim philosophers and *mutikallimun*. This issue is closely related to different problems such as explaining the divine essence, attributes of knowledge, power and will, the relationship between attributes and essence, cause-effect necessity, the relationship between the perfect cause and effect, the criteria for the need of effect for a cause, determinant of the origination of the world, and the nature of time, place, etc. Early Muslim philosophers believed in the eternity of the world, which, in the view of Muslim *mutikallimun*, was inconsistent with religious verses and teachings. Given the literal meaning of Qur'anic verses and their own specific interpretation of the essence and attributes of knowledge and the divine power and free will, they brought faith in the temporal origination of the world. In order to justify this view, *mutikallimun* imagined a time at which the world did not exist but came into existence later. This time was named the "chimeric time". The present study explores the relationship between the theory of chimeric time and temporal origination in the view of Muslim *mutikallimun*. Ultimately, it becomes clear that chimeric time is, firstly, based on the same general principles of the design of temporal origination. Secondly, it has been introduced in order to improve the idea of temporal origination in terms of structure and respond to philosophers' related criticisms. At the same time, this theory is consistent with other aspects of *kalami* thoughts, such as the common view of the world, its relationship with God, and the lack of its demonstrative analysis. Generally speaking, in spite of the different and, at times, contradictory interpretations of this theory, it is yet a step forward in propounding the temporal

-
1. Associate Professor, Islamic Philosophy and Wisdom Department (corresponding author), Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, kohansal-a@um.ac.ir
 2. PhD candidate of Transcendent Philosophy, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, m-sariarefi1367@mail.um.ac.ir

The Relationship between the Graded Unity of Existence and the Theory of Perfect Man in Mutahhari

*Reza Safari Kandsari**

Different philosophical and gnostic schools have each presented some theories regarding the perfect Man relying on their own specific worldviews. Believing in a worldview based on the “individual unity of existence”, gnostics maintain that it is only the Truth which exists, and what is other than the Truth is only among the modes and manifestations of the Truth. In the view of this group, the perfect Man is a human being who has attained supreme glory. Such a person is indeed the locus of the manifestation of essential and nominal perfections of the Truth rather than having a different existence from the Truth. In his critique of gnostics’ theory of perfect Man, Mutahhari, based on the theory of the graded unity of existence, believes that the perfect Man is a human being who, while actualizing all goals and values to the level of moderation in oneself, has a single goal in mind which is the same proximity to God. According to the gradedness of existence, multiple goals and a single goal are the same but are different in their levels. In multiple goals, the intentions and the ultimate levels of divine proximity are also different. In other words, in the view of Mutahhari, as the graded unity of existence dominates the truth of being, a human being who has attained the graded goal is the same perfect Man. In this paper, the writer explains that none of Mutahhari’s criticisms of gnostics’ views are justified, and explicit references in the related texts demonstrate the falsity of his objections. Therefore, gnostics provide a more complete explanation of the perfect Man, and the existence of this human being is consistent with the individual unity of existence.

Key Terms

gnosis
individual unity of existence
perfect Man

graded unity of existence
graded goal
critique of critique

* PhD in Islamic Philosophy and *Kalam*, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, rezasafari1984@yahoo.com

Human Rational Soul in Rumi

*Nafise Hashemi Golpaygani**

When discussing the rational soul, Muslim philosophers deal with certain problems such as the eternity or originatedness, immateriality or materiality, and the subsistence or annihilation of the soul after death. As a prominent Muslim gnostic, Rumi tried to provide some answers to similar philosophical questions. However, it is noted that his approach was to some extent different from that of philosophers. In his view, the core of the problem was the perfection of the soul through wayfaring, abandoning the world of matter, and union with the Essence of the Truth at the level of oneness and divinity. Since knowledge is at the heart of gaining proximity to God, Rumi focused his efforts on defining the soul in the light of intuitive knowledge and explained the difference among human beings in terms of their specific differences. He believed in the union of the soul with the Essence of the Truth and maintained that this union has some effects on the soul.

Key Terms

soul
luminous (*nuri*) union
Rumi

perfect Man
supreme human species

*Assistant Professor, Nasibeh Teacher Training College, Tehran, Iran,
n.hashemy_golpayegany@yahoo.com

interpretation based on a method between analogy and agnosticism relying on rational principles and the teachings of the Infallibles (a), and interpreting ambiguities based on the semantic essence of words.

Key Terms

Mulla Sadra
ambiguities
outward

clearly defined concepts
interpretation (*t'awil*)
inward

A Study and Evaluation of the Foundations of Mulla Sadra's Theory of Ambiguity

Seyyed Eshagh Hosseini Kofhsari¹, Davoud Saemi², and Seyyed Mohammad Mousavi Moghaddam³

A study of Mulla Sadra's encounter with Qur'anic ambiguities reveals that, in his view, Qur'anic verses possess two inward and outward meanings and, when dealing with ambiguous verses, one must value their outward meaning and does not deviate from it. At the same time, he holds that the meaning of ambiguous verses must conform to the intellect and the traditions that have been correctly narrated from the Infallible Imams (a). In his view, the understanding of ambiguous verses is relative and depends on the intellectual capacity of people. Those who are firmly rooted in knowledge (the Infallible Imams (a)) know the whole meanings of ambiguous verses and, in fact, find nothing ambiguous about them. However, based on his monotheistic theory, Mulla Sadra believes that all levels of being, from the highest to the lowest, are ontologically hierarchical. Accordingly, it can be claimed that without interpreting ambiguous verses or resorting to the embodiment of the essence of the Necessary Being, one can preserve the outward meaning of Qur'anic verses through the semantic expansion of ambiguous terms and grasp their outward meanings. The strengths of Mulla Sadra's theory concerning ambiguous verses generally consist of accepting the necessity of existence of ambiguous verses in the Qur'an, limiting ambiguities to ideological teachings, gradedness of the concept of ambiguity, limiting the complete perception and interpretation of ambiguities to the People of the Prophet's House, accepting the method of the Infallible Imams (a) (*Rasikhun*) in dealing with ambiguous verses, acknowledging the gradedness or relativity of understanding ambiguous verses, emphasizing the necessity of

-
1. Assistant Professor, Qur'anic Sciences and *Hadith*, Pardis-e Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran.
 2. PhD in Qur'anic Sciences and *Hadith* (corresponding author), Pardis-e Farabi University of Tehran, Tehran, Iran, da.saemi@gmail.com
 3. Assistant Professor, Qur'anic Sciences and *Hadith*, Pardis-e Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran.

An Explanation of the Ontological Principles, Genetic Place, and Effects of *Mohammedan* Truth in the Transcendent Philosophy

Mahdi Ganjvar¹ and Naser Mo'meni²

The emanation of the First Intellect as the first thing which was created without an intermediary by Almighty Truth is one of the important problems in Islamic philosophy. The First Intellect or the First Emanated in the Transcendent Philosophy is the essence and transcendent spirit of the Holy Prophet (s) or the same “*Mohammedan* truth”, which is confirmed based on transmitted proofs and rational principles. Following a descriptive-analytic method, this paper explains the ontological bases of this theory in the Transcendent Philosophy while clarifying its meaning and referents in Islamic philosophy and gnosis. Some of the philosophical fundamental principles upon which the understanding and explanation of *Mohammedan* truth depends include the principality of existence, the principle of the One, the principle of the noblest possibility, simplicity of existence or the principle of simple truth, and the principle of the simplicity and diffusion of existence. In the final section of this paper, based on Mulla Sadra’s works, the writers have dealt with the genetic place of *Mohammedan* truth in the system of being and elaborated on some of the most important effects and ontological blessings of this transcendent truth, such as mediation in divine blessing and mercy, maintaining the basis and order of the world, providing guidance towards the right path and attainment of happiness, and gaining proximity to God and benefitting from His intercession.

Key Terms

Mohammedan truth
Transcendent Philosophy
principality of existence
simplicity

principle of the One
noblest possibility
diffusion of existence

-
1. Assistant Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department (corresponding author), University of Isfahan, Isfahan, Iran, ganjvar78@gmail.com
 2. Associate Professor, Islamic Philosophy and *Kalam*, Payame Noor University, Isfahan, Iran, nmomeni83@yahoo.com



Abstracts

Instructions to Authors



- ❖ *Kheradname-ye Sadra Quarterly* only publishes articles in the fields of philosophy and rational sciences with a sound theoretical basis.
- ❖ The submitted articles must be based on research and present innovative views and ideas. They should be clearly and coherently written so that the contents are internally consistent and accessible to the readership. The submissions should closely follow the composition rules and principles in Persian.
- ❖ All articles should begin with an abstract no more than 10 lines and a maximum of 10 keywords. The abstract and the keywords should also be supplied in English.
- ❖ The title of the article, the name (s) of the author (s), the academic rank and position of the author (s), the affiliation of the author (s), and the contact information of the author (s) must be accurately given both in Persian and English on a different page at the beginning of the article.
- ❖ If the submission is based on a thesis, dissertation, or research project, authors are required to acknowledge it at the beginning of the article.
- ❖ Articles should be sent to the Journal's email address. Please write in the subject box "Related to Kheradname-ye Sadra".
- ❖ Authors are required to observe all notation and punctuation rules in Persian. They should also provide the original spelling of non-Persian names and highlight the quotations by using quotation marks or presenting the long ones in blocks.
- ❖ The submission of an article implies that it has not been published previously, and it is not being considered for publication elsewhere, either in the submitted form or in a modified version. The submission of an article does not mean that it will necessarily be published.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the copyright for the publication of the accepted articles in different forms in Persian and other languages.
- ❖ The submitted articles will not be returned to the authors. Contributors are advised to retain at least one copy for themselves.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the right to edit the submissions while being loyal to the original content.
- ❖ The authors are responsible for the content of their articles. The publication of articles in this Quarterly serves the purpose of exchanging ideas and thoughts, and in no way does it imply that the editorial board of *Kheradname-ye Sadra* necessarily agrees with the content of the accepted articles.
- ❖ Authors should give full bibliographical details of references and list them in alphabetical order of author, following the style of the examples given below. Page numbers for journal articles should be truncated where possible. No page ranges are required for books.
- ❖ All references to Mulla Sadra's works must be in conformity with the publication information of the books published by the Sadra Islamic Philosophy Research Institute.

References

- ❖ Citations in *Kheradname-ye Sadra* should be given in the form of footnotes. Each citation must include the source title, the writer's name and family name, the volume number, the page number, and the date of publication.
- ❖ When reference is made to a previously cited book or article by the same author, use the word *Ibid* plus the page number. If the page number is also the same, use *Idem*.
- ❖ When referring to an article, it is necessary to include the title of the article and the title of the journal or edited collection in which it has been published.
- ❖ The original title of the reference and its publication information should be supplied when referring to non-Persian sources.
- ❖ The bibliographical data of each source should be given in the reference list following the rules given below:
Books: Family name, name, *Title of the Book*, (in italics and bold letters, with content words capitalized), translator's name, place of publication, publisher, date of publication.
Journals: Family name, name, "Title of the article", *Title of the Journal* (in italics and bold letters), volume number, issue, page number, date of publication.
ex: A'awani, Gholamreza, "Why is Mulla Sadra Called Sadr al-Muti'allihin?", *Kheradname-ye Sadra*, 2/11: 24-32, 2005.
Edited Collections: Family name, name, "Title of the article", *Title of the Book* (in italics and bold letters), name and family name of the editor, place of publication, publisher, date of publication.
ex: Ibrahimi Dinani, Gholamhossein, "Mulla Sadra's Place in the Encyclopedia of Rational Sciences", in *Mulla Sadra's School and Western Philosophies*, edited under the supervision of Seyyed Mohammed Khamenei, Tehran, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, 2006.
- ❖ The same rules should be followed when listing non-Persian sources.



Contents

• Abstracts

- An Explanation of the Ontological Principles, Genetic Place, and Effects of *Mohammedan* Truth in the Transcendent Philosophy
Mahdi Ganjvar and Naser Mo'meni 4
- A Study and Evaluation of the Foundations of Mulla Sadra's Theory of Ambiguity
Seyyed Eshagh Hosseini Kohsari, Davoud Saemi, and Seyyed Mohammad Mousavi Moghaddam 5
- Human Rational Soul in Rumi
Nafise Hashemi Golpaygani 7
- The Relationship between the Graded Unity of Existence and the Theory of Perfect Man in Mutahhari
Reza Safari Kandsari..... 8
- An Analysis of the Relationship between Chimeric Time and Temporal Origination in the View of *Mutikallimun*
Alireza Kohansal and M'asoomeh Sadat Sary Arefi....9
- A Critical Study of Fayyad Lahiji's View of the Gnostic Oneness of Being
Mahmoud Seidi and Hadi Hashemi 11
- A Semantic Analysis of Theoretical Reason and Practical Reason in the View of Mulla Sadra
Mohammad Javad Zorrieh, Mohammad Bidhendi, and Ja'far Shanazari..... 12

1. According to certificate Number 3/137085 issued on 23 September 2012 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *Kheradnameh-ye Sadra* has a Scientific-research degree.

2. *Kheradnameh-ye Sadra* is indexed in the following centers:
- Islamic World Science Citation Center (ISC)
 - Philosopher's Index
 - Magiran
 - Noormags

﴿ He is the Wise, the Omniscient ﴾

Kheradnameh-ye Sadra

Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy

Volume 23, Number 2; Issue 90



License-holder:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Director and Editor-in-chief:

Prof. Seyyed Mohammed Khamenei

Editorial Board:

Prof. Seyyed Mohammed Khamenei

President of Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Prof. Gholamhossein Ibrahimi Dinani

University of Tehran

Prof. Ahmad Ahmadi

University of Tehran

Prof. Gholamreza A'awani

Shahid Beheshti University

Prof. Reza Dawari Ardakani

University of Tehran

Prof. Karim Mojtahedi

University of Tehran

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad

Shahid Beheshti University

Dr. Maghsoud Mohammadi

Islamic Azad University, Karaj

Persian Editor:

Dr. Maghsoud Mohammadi

Administrative Manager:

Jaleh Shamsollahi

English Translator:

Dr. Roya Khoii

English Editor:

Dr. Ali Naqi Baqershahi

Publisher:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

ISSN: 1560-0874

Address: Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

P.O. Box: 15875, 6919

Telephone: (+98 21) 88153210, 88153594

Fax: (+98 21) 88493803

Email: siprin@mullasadra.org

Site: mullasadra.org

Kherad.mullasadra.org